

مقاله پژوهشی: نقش دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان شهر تهران

۲۰.۱۰۰۱.۱.۳۳۲۹۲۵۳۸.۱۴۰۱.۱۲.۴۴.۷.۸

مرضیه زارع^۱ - طلیعه خادمیان^۲ - محمد همایون سپهر^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۶

چکیده

امروزه از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی در همه جوامع، مفهوم مشارکت سیاسی زنان می‌باشد که شناخت عامل مؤثر بر آن از جمله دیپلماسی شهروندی حائز اهمیت است. دیپلماسی شهروندی فعالیت‌هایی در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ با هدف آشنایی بیشتر ملت‌ها به‌ویژه، ملت‌های درگیر اختلاف و به‌منظور حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک میان آنان است که بر این اساس تحقیق حاضر با هدف بررسی و شناخت تأثیرات دیپلماسی شهروندی بر مشارکت سیاسی زنان انجام گرفته است. این تحقیق از نوع کاربردی بوده و به روش پیمایشی انجام پذیرفته است. جامعه آماری کلیه زنان (۱۸ سال و بالاتر) در شهر تهران بوده که بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بوده و با استفاده از نرم‌افزار اس.پی.اس.اس ۲۳ و لیزرل و آماره‌های توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام شده است.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بین ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور و همچنین مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان رابطه معنی داری وجود داشته و دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان شهر تهران تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: دیپلماسی شهروندی - مشارکت - مشارکت سیاسی

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲. عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Sonia_khademian@yahoo.com

۳. عضو هیات علمی گروه مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران

۱. مقدمه و بیان مسئله

امروزه یکی از شاخص‌های مهم توسعه سیاسی در همه جوامع، مفهوم مشارکت سیاسی می‌باشد. از دیدگاه اندیشمندان مختلف، همچون هانتینگتون و لرنر، توسعه اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر توسعه سیاسی داشته و به عقیده آنان بی‌شک بدون دستیابی به توسعه اجتماعی، این مهم میسر نخواهد بود. مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از معیارهای دموکراسی امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است و عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مختلفی در راستای توسعه اجتماعی بر آن تأثیرگذار بوده و هستند. در این میان مفهوم دیپلماسی شهروندی که با توجه به آن شهروندان به‌عنوان نمایندگان غیررسمی کشورشان در زمینه روابط خارجی ایفای نقش می‌کنند، یکی از مفاهیم مهم در حیطه تعاملات و دیپلماسی سیاسی می‌باشد. این مفهوم که با گسترش استفاده افراد از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، وارد مرحله‌ای جدید و گسترده‌ای شده است، به نظر تاکنون کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. دیپلماسی شهروندی مفهومی است که دربرگیرنده دو بخش است: بخش شهروندی که غیررسمی و مستقل از دولت است و فرد در جهت منافعش فعالیت می‌کند و بخش دیپلماسی که چهارچوبی برای همکاری میان کشورها را شامل می‌شود. امروزه یکی از علل مهم بحران‌های سیاسی بین‌المللی، نبود یا کمبود مراوده و ارتباط بین مردم جهان است. در دیپلماسی شهروندی، شهروندان از حق برقراری ارتباط با شهروندان جوامع دیگر برخوردار هستند تا بتوانند به دیدگاه‌های مشترک برسند و یا تأثیرات نامطلوب ناشی از سیاست‌های خارجی نادرست برخی دولت‌ها را از بین ببرند. از این رو برقراری ارتباط در چهارچوب دیپلماسی شهروندی برای توسعه روابط انسانی، رفع اختلاف‌ها، از بین بردن بی‌اعتمادی‌ها و دشمنی‌ها و افزایش انواع مشارکت‌ها در سطح جوامع و ایجاد تفاهم در جوامع مختلف دنیا و درون جامعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر طبق دیدگاه ملیسن، دیپلماسی شهروندی فعالیت‌هایی در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ با هدف آشنایی بیشتر ملت‌ها به‌ویژه، ملت‌های درگیر اختلاف و به‌منظور حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک میان آنان است تا به

این وسیله، بتوان علاوه بر ایجاد تصویری مطلوب از کشور متبوع خود در افکار عمومی، در نهایت بتواند در جهت‌گیری‌های سیاسی سایر کشورها نسبت به یکدیگر تأثیرگذار باشد (ملیسون؛ ۲۰۰۸: ۸). دیپلماسی شهروندی همچنین با ایجاد این ارتباط دوسویه به نظر می‌تواند زمینه افزایش آگاهی‌ها و مشارکت سیاسی شهروندان را افزایش دهد و مطالعه دیپلماسی شهروندی و نقش آن در حوزه‌های مختلف سیاسی در کشورها از اهمیت و ضرورت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. به نظر وجود دیپلماسی شهروندی با شاخص‌هایی مانند ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور، حسن تفاهم و دست‌یابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک، مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات و تبادل و تسهیم اطلاعات می‌تواند بر بسیاری از حوزه‌های مهم در امور سیاسی کشورها از جمله بر مشارکت سیاسی شهروندان تأثیرگذار باشد؛ بنابراین شناخت نقش دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان می‌تواند به‌عنوان مسئله‌ای مهم مطرح باشد. در این زمینه فردیناند بولر^۲ (۲۰۱۴) با بررسی نقش دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی عنوان می‌کند که دیده جهانی شدن باعث به وجود آمدن فرصت‌ها و چالش‌های فرامرزی و به‌تبع آن مفهوم حکمرانی جهانی با ایفای نقش دیپلماسی شهروندی شده است که این امر باعث ظهور بازیگران جدید بین‌المللی در قالب سازمان‌ها، نهادها و انجمن‌های بین‌المللی مدنی در عرصه جهانی شده که بیش از پیش شهروندان را به سمت مشارکت سیاسی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی سوق می‌دهد، همچنین کیا (۱۳۹۲) با بررسی دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک شهروندان تهرانی عنوان می‌کند بین تلاش در جهت بهبود تصویرسازی از کشور به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های دیپلماسی شهروندی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری حاصل شده است.

مفهوم مشارکت سیاسی امروزه به‌عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی ملت‌ها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشروعیت هر نظام سیاسی محسوب می‌گردد.

^۱ Melissin

^۲ Ferdinand boller

به لحاظ مفهومی، مشارکت سیاسی ناظر بر نقش و همکاری مردمی در پیدایش و استحکام مراکز قدرت، نحوه اعمال قدرت، نظارت عمومی بر حسن انجام وظایف در تمام فرایند و شئون قدرت است (کرمی، ۱۳۹۷: ۴۴۵).

بسیاری از پژوهشگران، درباره اهمیت مشارکت سیاسی به‌مثابه یک عامل اساسی در تضمین سلامت دموکراسی‌های مدرن اظهارنظر کرده‌اند. گرچه مشارکت در امور سیاسی برای اولین بار حدود دویست سال پیش از طریق حق انتخاب، تنها برای مردان، رواج یافت؛ لیکن مشارکت زنان در سیاست در مقایسه با مردان به‌گونه‌ای متفاوت بوده است، زیرا زنان با تأخیری صد ساله به حق رأی و مشارکت در سیاست دست یافتند. امروزه با وقوع تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در جوامع و با توجه به رشد و توسعه سیاسی-اجتماعی، گسترش آموزش و پرورش و وسایل ارتباط جمعی، نحوه و میزان فعالیت زنان در ابعاد مختلف تحول یافته؛ اما با این وجود، آنچه بدیهی می‌نماید این است که کماکان درصد مشارکت سیاسی زنان در امور سیاسی و اجتماعی کمتر از مردان است (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

می‌توان گفت زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت کشور و نقش گسترده خود در فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و شغلی، یکی از ارکان مهم و قابل توجه در مشارکت سیاسی و در نتیجه توسعه سیاسی جوامع مختلف می‌باشند. با توجه به نقش مشارکت سیاسی در توسعه اجتماعی و سیاسی هر جامعه، پرداختن به عوامل تأثیرگذار بر این مهم در جهت افزایش آن در میان آحاد افراد جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است. حال با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت دیپلماسی شهروندی در گسترش ارتباطات و تبادل اطلاعات در خصوص امور سیاسی با افراد در داخل و خارج کشور، مسئله مهم و اساسی که به‌عنوان دغدغه محقق نیز مطرح می‌باشد این است که دیپلماسی شهروندی و گسترش آن چه نقشی می‌تواند در افزایش مشارکت سیاسی زنان ایفا نماید؟ لذا این مسئله مطرح است دیپلماسی شهروندی چه نقشی در مشارکت سیاسی زنان شهر تهران دارد؟

در این زمینه پرداختن به مسائل زیر به‌عنوان هدف دارای اهمیت است:

- بررسی میزان تأثیر ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور در مشارکت سیاسی زنان؛

- بررسی میزان تأثیر حسن تفاهم و دست‌یابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک در مشارکت سیاسی زنان؛

- بررسی میزان تأثیر مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان.

فرضیه‌های تحقیق نیز بدین شرح مطرح هستند:

فرضیه اصلی:

آیا دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان شهر تهران تأثیرگذار است؟

فرضیه‌های فرعی:

۱. ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار است.
۲. حسن تفاهم و دست‌یابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار است.
۳. مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار است.

۲. پیشینه و مبانی نظری

پیشینه تحقیق

وثوقی، گرجی، باصری و قدیمی (۱۳۹۹) مقاله‌ای را با عنوان «تحلیل کیفی تأثیر عوامل فرهنگی اجتماعی و انگیزشی بر مشارکت سیاسی زنان شهر تهران» انجام داده‌اند. محققین عنوان کرده‌اند زنان نقش مؤثری در فرآیند مشارکت اجتماعی سیاسی در ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایفا نموده‌اند. در هر دوره از انتخابات، شکل خاصی از فرآیند مشارکت سیاسی وجود داشته است و در هر حوزه جغرافیایی، زنان نقش متفاوتی در فرآیند مشارکت سیاسی به‌ویژه مشارکت انتخاباتی ایفا کرده‌اند. درک چگونگی مشارکت سیاسی زنان را می‌توان در زمره عوامل تعیین‌کننده رقابت‌های انتخاباتی در ایران دانست. مشارکت سیاسی به‌عنوان یکی از شاخص‌های عمده توسعه در جامعه‌شناسی سیاسی است

که در قالب‌های مختلفی شکل می‌گیرد. در این مقاله تلاش شده است عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین هدف اصلی این مقاله بررسی رابطه بین عوامل فرهنگی و اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی زنان در رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری ۱۳۹۶ دانست. پژوهشی که این مقاله از آن استخراج شده است با روش کیفی (دلفی) انجام شده است. در پژوهش حاضر، جامعه آماری خبرگان علوم سیاسی بوده است که از میان آنان ده نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند اطلاعات محور و براساس قاعده اشباع نظری انتخاب و نظرات آنان با استفاده از پرسشنامه‌های باز و نیمه‌باز و طی سه راند دریافت و از طریق کدگذاری‌های باز، محوری و گزینشی تحلیل گردید. در بخش تحلیل کیفی، پس از کدگذاری و مقوله‌بندی، ۴۸ شاخص و هشت مقوله و مفهوم تحت عنوان عوامل زمینه‌ای، عوامل درون‌انگیزه، عوامل تطمیعی، عوامل دوربرد، باورها و ارزش‌های تبلیغ شده، جامعه‌پذیری و اعتماد اجتماعی، شرایط خانوادگی، اشاعه‌ی مفاهیم فرهنگی - اجتماعی به دست آمد و مشخص شد که عوامل زمینه‌ای بیشترین نقش را در مشارکت سیاسی زنان دارند و پس از آن به ترتیب عوامل درون‌انگیزه، تطمیعی، دور برد، باورها و ارزش‌ها، جامعه‌پذیری و اعتماد اجتماعی، شرایط خانوادگی و اشاعه‌ی مفاهیم فرهنگی - اجتماعی قرار می‌گیرند.

نجفی و شهبازی (۱۳۹۹) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه» انجام داده‌اند. محققین عنوان کرده‌اند مشارکت سیاسی در نظام دموکراسی غیر مستقیم نقش حیاتی ایفا می‌کند. انتخاب ساز و کار اصلی برای تحقق حاکمیت مردمی است. در این میان مشارکت به شهروندان امکان می‌دهد تا مقامات مسئول را جایگزین کرده و دولت را تغییر دهند. با توجه به اهمیت بحث از مشارکت سیاسی، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، فن پیمایش، ابزار پرسشنامه و استفاده از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس و اسمارت.پس.ال.اس، به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که آیا بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد؟ جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان ۱۸ سال به بالای

شهر کرمانشاه می‌باشد که ۳۸۴ نفر از آن‌ها به‌عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن یعنی اعتماد اجتماعی (۳۸/۰)، مشارکت اجتماعی (۴۱/۰)، انسجام اجتماعی (۳۰/۰)، حمایت اجتماعی (۲۷/۰)، آگاهی اجتماعی (۳۵/۰)، ارتباط اجتماعی (۳۶/۰) با مشارکت سیاسی شهروندان ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد؛ بنابراین تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید می‌شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری نیز نشانگر این است که اثر متغیر مستقل سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان به میزان ۵۵/۰ می‌باشد.

پیشگامی فرد و زهدی (۱۳۸۹) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی جایگاه و نقش زنان دیپلمات خاورمیانه در مشارکت سیاسی» انجام داده‌اند. محققین عنوان کرده‌اند مشارکت عامه مردم در امور سیاسی که خود ناشی از تمایل مشارکت‌جویانه آنان نسبت به نظام سیاسی است، یکی از نتایج و دستاوردهای مراحل پیشرفته دموکراسی است، بنابراین مشارکت را می‌توان یکی از معیارهای موفقیت توسعه فراگیر به‌شمار آورد. زنان به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی موجود در جوامع بشری که خود یکی از مهم‌ترین منابع توسعه هستند، نقشی به‌سزا در توسعه جوامع انسانی ایفا می‌کنند. مردان تاکنون نخواستند و یا نتوانسته‌اند از منافع زنان به‌گونه کافی حمایت نمایند. در نتیجه مشارکت زنان در همه فعالیت‌های اجتماعی، مانند عرصه سیاست ضروری است، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت نقش اقلیت داشتن زنان در امور سیاسی موجب عقیم ماندن دموکراسی در جامعه می‌شود.

گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد که رتبه کشورهای گوناگون جهان را در امر توسعه انسانی مشخص می‌کند، در آخرین گزارش خود در سال ۲۰۰۹ میلادی اقدام به تهیه گزارشی از فعالیت کشورهای تحت مطالعه پیرامون میزان پایبندی و اهتمام دولت‌ها در زمینه تحقق اهداف برنامه‌های «توانمندسازی جنسیتی» نموده است که در آن به میزان مشارکت و دخالت زنان در سیاست توجهی ویژه شده است.

در این پژوهش که به‌صورت تحلیلی - توصیفی صورت گرفته است، پژوهشگران در پی یافتن پاسخی برای پایین بودن میزان مشارکت سیاسی زنان در منطقه خاورمیانه هستند

و به همین منظور با بررسی تطبیقی جایگاه کشورهای منطقه در رتبه‌بندی دموکراسی جهانی و میزان مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان منطقه، سعی در شناسایی دلایل این موضوع دارند که در نهایت، با دسته‌بندی موانع مشارکت سیاسی زنان، به موانع سیاسی، فرهنگی، آموزشی و همچنین موانع فیزیولوژیکی به نتیجه‌گیری از مباحث طرح شده پرداخته خواهد شد.

محمدی‌فر، شهرام‌نیا و مسعودنیا (۱۳۹۶) مقاله‌ای را با عنوان «بررسی رابطه میان استیفای حقوق شهروندی با نوع مشارکت سیاسی در بین زنان شهر اصفهان» انجام داده‌اند. محققین عنوان نموده به دنبال رشد شهرنشینی، مفاهیم جدیدی مانند شهروندی و حقوق شهروندی وارد گفتمان سیاسی کشورها شده و حقوق و تکالیفی را متوجه جامعه و دولت کرده است. وجه تمایز انسان پیشامدرن به‌عنوان یک فرد «مکلف» از انسان پسامدرن به‌عنوان یک فرد «محق» است. در این میان، میزان استیفای حقوق شهروندی، مشارکت سیاسی را به لحاظ کمی و کیفی می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس این، هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی رابطه میان استیفای حقوق شهروندی با نوع مشارکت سیاسی است. پژوهش حاضر، توصیفی - پیمایشی و مبتنی بر تکمیل پرسشنامه است. داده‌های پژوهش از مناطق مختلف شهر اصفهان به دست آمده و سپس با تکمیل ۳۸۵ پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار اس.پس.اس. تجزیه و تحلیل شده است. بر اساس یافته‌های مطالعه حاضر، بین حقوق شهروندی ($F=0/012$) با مشارکت سیاسی محدود، ارتباط معناداری وجود نداشت. این مقدار برای ابعاد حقوق شهروندی یعنی حقوق مدنی برابر ($F=0/11$)، حقوق اجتماعی، ($F=0/16$) و حقوق سیاسی برابر ($F=0/10$) است. همچنین بین حقوق شهروندی ($F=0/135$) با مشارکت سیاسی تبعی، رابطه‌ای معنادار وجود داشت. این مقدار برای ابعاد حقوق شهروندی یعنی حقوق مدنی برابر با ($F=0/38$)، حقوق اجتماعی ($F=0/35$) و حقوق سیاسی برابر با ($F=0/38$) است. در نهایت بین حقوق شهروندی ($F=0/81$) با مشارکت سیاسی فعال، رابطه‌ای معنادار وجود داشت و این مقدار برای ابعاد حقوق شهروندی یعنی حقوق مدنی برابر با ($F=0/11$)، حقوق اجتماعی ($F=0/13$) و حقوق سیاسی برابر با

(۳۳/۰=I) است. به طور کلی می توان گفت با توجه به رویه مذهبی و ارزشی نظام سیاسی جامعه ایران و نقش نهاد مذهبی در آن به خصوص بعد از انقلاب اسلامی، از یکسو بخش هایی از افراد جامعه به مشارکت سیاسی تبعی روی آوردند و از سوی دیگر با توجه به رشد آگاهی سیاسی، گروه هایی از افراد جامعه، مشارکت سیاسی فعال داشته اند.

اویدمی (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی و دیپلماسی شهروندی در میان جوانان آفریقای جنوبی» نشان می دهد درک شرایط امروز جهان ایجاب می نماید که منافع ملی کشورها فقط از منظر دیپلماسی رسمی تعریف نشود و مؤلفه هایی نظیر دیپلماسی شهری، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، هویت تاریخی، فرهنگی و اقتصادی نیز به عنوان سایر ابعاد ارتقای سطح منافع ملی و پیشبرد سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرند. دیپلماسی عمومی مبتنی بر توسعه و بهسازی روابط بین ملت ها و شهروندان، ارتباط با افراد کلیدی، برقراری روابط راهبردی، در سیاست خارجی را ایفا کند؛ بنابراین در این حرکت موازی هر چه شهرها در بحث مشارکت بتوانند منزلت و جایگاه خود را از سطح ملی به سطح منطقه ای و یا بین المللی ارتقاء دهند به نوعی بستر رشد و توسعه دیپلماسی (مردم - دولت) در کشور به مرحله عملیاتی خواهد رسید. به این ترتیب رابطه معنی داری بین دیپلماسی شهروندی و مشارکت سیاسی وجود دارد.

مبانی نظری

مشارکت سیاسی پدیده ای پیچیده و دارای ابعاد متفاوت است و بر همین اساس به روش های متفاوتی قابل تعریف است. بنا بر تعریف هانتینگتون مشارکت سیاسی فعالیت خصوصی شهروندان به قصد تأثیرگذاری بر فرآیندهای تصمیم گیری دولت است (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۲۷). محققان از سطوح مشارکت سیاسی به عنوان سلسله مراتب سیاسی نام می برند که بیانگر عمق مشارکت سیاسی است. میلبراث و راش الگوهایی را ارائه می دهند که به عقیده آنان همه انواع و طیف های مشارکت سیاسی در هر نوع نظام سیاسی

را در بر می‌گیرد. در این الگو داشتن مقام سیاسی و اجرایی در بالاترین سطح و رأی دادن در پایین‌ترین سطح مشارکت سیاسی قرار دارد (پالیزان، ۱۳۹۰: ۳۵).

برای تبیین مشارکت سیاسی و اصولاً هرگونه رفتار سیاسی در کلی‌ترین سطح، دو دیدگاه رقیب وجود دارد: انتخاب عاقلانه و مکتب جامعه‌شناختی. در مکتب انتخاب عاقلانه که آنتونی داونز مهم‌ترین نظریه‌پرداز آن است، هرگونه رفتار سیاسی حاصل تصمیم فردی بازیگر است که به‌طور عاقلانه از میان گزینه‌های مختلف که در یک وضعیت خاص پیش روی اوست گزینه‌ای را انتخاب کند که به بهترین نحو اهداف او را تأمین می‌نماید (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۶)؛ اما در مکتب جامعه‌شناختی، عمل فردی و گروهی برگرفته شده از ارزش‌ها و هنجارهای موجود در جامعه است، لذا تحلیل مشارکت سیاسی در پرتو مطالعه عواملی چون شرایط جامعه‌پذیری سیاسی افراد، فرهنگ سیاسی، سیستم‌های گروهی و سایر شرایط مربوط به محیط اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود (سید امامی، ۱۳۸۶: ۶۵).

از نظر هانتینگتون در جریان نوسازی در جوامع جهان سوم است که تضاد بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد؛ یعنی همه ابعاد توسعه با یکدیگر رشد نمی‌کنند و توسعه سیاسی نسبت به توسعه اقتصادی و اجتماعی دچار عقب‌ماندگی می‌شود و در فرآیند نوسازی اختلال به وجود می‌آید. یکی از معیارهای توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی می‌باشد (پناهی، ۱۳۸۸: ۳۰). بنا بر نظریه بسیج اجتماعی که به نام کارل دوپیچ ثبت شده، نیز عناصر فرایند نوسازی به تغییرات مشارکتی منجر می‌شوند. دوپیچ ترکیب پیچیده‌ای از ویژگی‌های فرایند نوسازی را پیشنهاد کرده و آن را بسیج اجتماعی نامیده است (آستین رنی، ۱۳۸۴: ۱۴۲). رابرت دال نیز در زمره کسانی است که توسعه سیاسی را مقدم بر توسعه اقتصادی می‌داند. از نظر وی فقط نظام دموکراسی است که می‌تواند زمینه مشارکت واقعی را برای شهروندان خود به وجود آورد. او معتقد است بین میزان اثربخشی سیاسی و میزان مشارکت سیاسی رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی به هر اندازه که میزان

۱) Rush

۲) Robert Dahl

اثر بخشی سیاسی بیشتر شود، میزان مشارکت سیاسی شهروندان نیز بیشتر می‌شود و بالعکس (دال، ۱۳۷۴: ۱۰۵). در رابطه با تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی میلبراث و گوئل در کتاب مشارکت سیاسی خود عنوان می‌کنند که نظام سیاسی و فرهنگ سیاسی در رفتار سیاسی شهروندان مؤثر می‌باشد و لذا تفاوت در الگوهای رفتار سیاسی از فرهنگی به فرهنگ دیگر را طبیعی فرض می‌کنند (میلبراث، ۱۳۸۶: ۲۳). همچنین میلبراث و گوئل^۱ در تبیین مشارکت سیاسی از هفت عامل عمده نام می‌برند. این عوامل عبارتند از: محرک (انگیزه سیاسی)، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی، محیط سیاسی، مهارت، منابع و تعهد (راش، ۱۳۷۷: ۱۳۸). در این راستا آلموند و پاول^۲ از نظریه اجتماعی شدن سیاسی برای تشریح فرهنگ سیاسی پنج کشور استفاده کردند. آن‌ها به تأثیر سه نهاد اجتماعی کننده یعنی خانواده، مدرسه و شغل بر روی میزان مشارکت سیاسی اشاره می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که این سه نهاد، در نهادینه کردن الگوی مشارکتی در همه جوامع نقش مهمی بر عهده دارند و هر چه فرد در درون این سه نهاد سابقه مشارکتی بیشتری داشته باشد، در مراحل بعدی زندگی مشارکت سیاسی بیشتری دارد و جامعه از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ سیاسی مشارکتی نزدیک‌تر می‌شود (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۲-۳۱). همچنین لیپست جامعه‌شناس آمریکایی مشارکت سیاسی را از جمله شروط دموکراسی می‌داند و معتقد است در هر دموکراسی باید فرصت‌های مشارکت برای شهروندان وجود داشته باشد تا بتوانند در امور سیاسی خود دخالت کنند. وی برای تبیین مشارکت سیاسی شهروندان عنوان می‌کند که آنان باید به نوعی آگاهی سیاسی و دانش سیاسی داشته باشند.

بر اساس نظریات جیرینت پری نیز باید سه جنبه از مشارکت سیاسی یعنی شیوه مشارکت، شدت و کیفیت آن را بررسی کرد. منظور وی از شیوه مشارکت این است که مشارکت چه شکلی به خود می‌گیرد آیا رسمی است یا غیررسمی و استدلال می‌کند که شیوه مشارکت بر طبق فرصت، میزان علاقه، منابع در دسترس فرد و نگرش‌های رایج به مشارکت در جامعه و

^۱ Milbrath and Goel

^۲ Almond and Powell

به‌ویژه اینکه آیا مشارکت تشویق می‌شود یا نمی‌شود فرق دارد. منظور از شدت، سنجش تعداد افرادی است که در فعالیت‌های معین شرکت می‌کنند و هم تعداد دفعات مشارکت آنان است که باز هم ممکن است بر طبق فرصت‌ها و منابع فرق کند. کیفیت به میزان اثربخشی که در نتیجه مشارکت به دست می‌آید و سنجش تأثیر آن بر کسانی که قدرت را اعمال می‌کنند و نیز بر سیاست‌گذاری‌ها مربوط می‌شود. کیفیت هم بر طبق فرصت‌ها و منابع از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از موردی به مورد دیگر فرق می‌کند (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۴-۱۲۳).

در انتها می‌توان به الگویی که مایکل راش ارائه می‌دهد و به نظر وی همه‌انواع و طیف‌های مشارکت سیاسی در هر نوع نظام سیاسی را دربر می‌گیرد اشاره کرد. این رتبه‌بندی از بالا به پایین به ترتیب شامل: داشتن مقام سیاسی یا اجرایی، جست‌وجوی مقام سیاسی یا اجرایی، عضویت فعال در یک سازمان سیاسی، عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی، مشارکت در اجتماعات عمومی، تظاهرات و غیره، عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی، عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی، مشارکت در بحث‌های سیاسی غیررسمی، اندکی علاقه به سیاست، رأی دادن و درگیر نشدن در سیاست است (همان: ۱۲۶).

همچنین در حوزه نظریه‌های مرتبط با دیپلماسی شهروندی، دیپلماسی را می‌توان هنر ایجاد ارتباط میان ملت‌ها و با هدف مدیریت روابط آن‌ها نامید که می‌تواند توسط دیپلمات‌های رسمی و نمایندگان دولتی یا بازیگران غیردولتی انجام شود. تا زمانی که دولت‌ها یگانه کارگزار عرصه روابط بین‌الملل بودند، یک نوع دیپلماسی و آن هم دیپلماسی رسمی در عرصه روابط بین‌الملل وجود داشت، اما با پیچیده‌تر شدن شرایط بین‌المللی بازیگران دیگری مانند سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های چند ملیتی، گروه‌های انسانی، سازمان‌های غیرانتفاعی و مواردی از این قبیل به عرصه دیپلماسی راه یافتند و در آن به ایفای نقش پرداختند. پدیده‌های جهانی شدن، ورود اینترنت به عرصه ارتباطات و تخریب گسترده محیط‌زیست نیز از عوامل مهم در تغییر شکل دیپلماسی به حساب می‌آیند (فراسر، ۲۰۱۲: ۹).

گونه‌های دیپلماسی شهروندی نیز متفاوت هستند. یکی از آن‌ها دیپلماسی شهروندی مستقل است. در آن دسته از کشورهایی که دولت از مشروعیت لازم در میان مردم کشور برخوردار نیست، نوع دیگری از دیپلماسی شهروندی در جریان است که فعالیت‌های آن در راستای فعالیت‌های رسمی دیپلماتیک آن کشور انجام نمی‌گیرد و در تقابل با آن است. این امر به‌ویژه در نظام‌هایی قابل مشاهده است که رفتارها و اقدامات یک نظام سیاسی در صحنه سیاست بین‌الملل، ارتباطی به منافع ملی کشور و مردم آن نداشته باشد؛ بلکه اقدامات مزبور صرفاً از خواسته‌ها و منافع گروهی از اقلیت سرچشمه می‌گیرد که برای حفظ موقعیت خویش، آن را بر اساس منافع ملی توجیه می‌کنند. در چنین شرایطی، شهروندان عادی تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارها و وسایل گوناگون از جمله ابزارهای ارتباطی، با شهروندان کشورهای دیگر ارتباط برقرار کنند؛ تا علاوه بر ارائه تصویری مطلوب از کشور متبوع خود در اذهان عمومی، در نهایت بتوانند بر جهت‌گیری سیاسی سایر کشورها نسبت به کشور خود تأثیرگذار باشند (سلیمی، ۱۳۹۲: ۷۹).

از نظر دایانا چیاگاس^۱ (۲۰۰۳) دیپلماسی شهروندی، به ارتباط غیررسمی بین مردم کشورهای مختلف اطلاق می‌شود که با روابط رسمی میان نمایندگان دولت‌ها در تقابل است. این ارتباط می‌تواند به‌طور مستقیم و در طی فعالیت‌های مختلف و یا در شرایط فراهم آمده توسط گروه‌های غیررسمی غیردولتی نظیر «ان.جی.او»ها، گروه‌های صلح‌طلب، محققان و یا هر سازمان واسطه غیررسمی دیگری انجام پذیرد (چیاگاس، ۲۰۰۳: ۹۰).

مونتویل^۲ (۲۰۱۶) نیز عنوان می‌کند در شرایطی که ارتباطات رسمی و دیپلماتیک میان کشورها و یا دولت و یک گروه شورشی، به کلی قطع شده باشد، کانال‌های غیررسمی اغلب می‌توانند به‌طور مؤثری به ایفای نقش بپردازند.

^۱ Diana Chiagas

^۲ NGO

^۳ Montville

جان ملیسین^۱ معتقد است دیپلماسی شهروندی یکی از حلقه‌های کوچک در زنجیره پیرامون سیاست خارجی است که از یک‌سو با دیپلماسی عمومی و از سوی دیگر با دیپلماسی رسانه‌ای در ارتباط است. بر این اساس، دولت می‌تواند از اتباع و شهروندان فعال خود در خارج از کشور برای پیش‌برد منافع ملی و دفاع از امنیت ملی خود استفاده کند؛ به عبارت دیگر، دیپلماسی شهروندی به پیوند دولت با شهروندان فعال خارج از کشور اشاره دارد؛ بنابراین، هر چه اتباع یک کشور در خارج فعال‌تر بوده و تمایل آن‌ها برای همکاری با کشور مادری‌شان بیشتر باشد، آن کشور از دیپلماسی شهروندی فعال‌تری برخوردار است. از آنجا که هسته نظریه دیپلماسی عمومی «ارتباطی هدایت‌شده با افراد خارجی به‌منظور تأثیر گذاشتن بر افکار آنان و سرانجام، تأثیر گذاشتن بر دولت‌های آن‌ها است». همچنین بنا بر نظر بابلا دولت‌ها می‌توانند از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش شهروندان به‌ویژه آموزش فرهنگ‌های ملی و خارجی، شهروندان دیپلمات موفق‌تری پرورش دهند (کیا، ۱۳۹۲: ۲۱۲).

بنا بر عقیده برگس (۲۰۰۳) ارزیابی نقش دیپلماسی شهروندی به دلیل تأثیرگذاری آن بر عوامل غیر عینی نظیر نگرش‌ها و روابط، کار مشکلی است. از نظر وی مدیریت تعارضات رسمی، گاهی اوقات غیرقابل انجام و اجراست؛ زیرا مباحثه‌کنندگان کاملاً با هم بیگانه هستند، رهبران تمایلی به تغییر شرایط ندارند و مباحثه ممکن است با منازعات بیشتری درهم تنیده شود. در چنین شرایطی، اگر میانجی‌گران غیررسمی، در یک زمینه غیررسمی با یکدیگر ملاقات (دیدار) داشته باشند، می‌تواند سودمند واقع گردد؛ چنین گفتگوهایی گاهی می‌تواند منجر به توافقات جدیدی شود و رویکردهای ابتکاری تولید کند که در فرآیندهای رسمی مذاکرات، مورد اقتباس قرار گیرد (برگس، ۲۰۰۳: ۲۰). در این راستا، آنا داوسون (۲۰۱۱) نیز عنوان می‌کند دیپلماسی شهروندی روشی است که در آن افراد به‌عنوان نماینده غیررسمی کشور خودشان ایفای نقش می‌کنند. اغلب خاطره ماندگار دیدارهای چهره به چهره میان فردی با مردمی از کشورهای دیگر، باعث افزایش درک دو

^۱ John Melisin

^۲ Burgess

جانبه می‌گردد و مردمی که سوابق تفاوت دارند می‌توانند ارزش‌ها و منافع مشترکی پیدا کنند و حتی احساسات منفی نسبت به یکدیگر را نیز کاهش دهند. دیپلماسی شهروندی می‌تواند کاملاً مستقل از فعالیت‌های دیپلماسی رسمی باشد (داوسون، ۲۰۱۱: ۲).

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی بوده و به روش پیمایش انجام شده است. در این تحقیق کلیه زنان شهر تهران به‌عنوان جامعه آماری تحقیق مدنظر می‌باشند. برای تعیین حجم نمونه جامعه آماری مورد نظر از فرمول «کوکران»^۱ استفاده شده است؛ که بر این اساس تعداد حجم نمونه ۳۸۴ نفر می‌باشد.

همچنین از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به‌منظور انجام نمونه‌گیری استفاده شده است. بدین منظور ابتدا شهر تهران به مناطق ۲۲ گانه شهرداری به‌عنوان خوشه اول (به شرح جدول زیر) تقسیم‌بندی گردیده است.

جدول (۱): خوشه اول در نمونه‌گیری خوشه‌ای

منطقه ۱	منطقه ۲	منطقه ۳	منطقه ۴	منطقه ۵	منطقه ۶	منطقه ۷	منطقه ۸	منطقه ۹	منطقه ۱۰
منطقه ۱۱	منطقه ۱۲	منطقه ۱۳	منطقه ۱۴	منطقه ۱۵	منطقه ۱۶	منطقه ۱۷	منطقه ۱۸	منطقه ۱۹	منطقه ۲۰
منطقه ۲۱	منطقه ۲۲								

سپس نسبت به انتخاب چهار منطقه به‌صورت تصادفی ساده از بین مناطق ۲۲ گانه اقدام گردید که بر اساس نمونه‌گیری انجام شده منطقه ۲ و ۶ و ۱۴ و ۱۷ انتخاب شدند. سپس در منطقه انتخاب شده با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده تعداد ۳۸۴ نفر انتخاب شد.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته و روش اسنادی بوده که در خصوص روایی و پایایی در این پژوهش از «اعتبار صوری» پرسشنامه استفاده شده است. منظور از

^۱ Dawson
^۲ Cochran

اعتبار صوری، شناسایی اعتبار شاخص‌ها از طریق مراجعه به داوران است. به همین منظور سعی گردید برای سنجش متغیرها از گویه‌هایی استفاده شود که اساتید مجرب بر آن‌ها تأکید دارند. لذا بعد از تنظیم پرسشنامه و مصاحبه، به رؤیت این اساتید و متخصصان مربوط به رسانده و رفع اشکال شد.

برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردید. در بنابراین قبل از گردآوری داده‌ها، به منظور اطمینان از پایایی پرسشنامه، پیش‌آزمون روی ۱/۱۰ جامعه آماری که ۳۸ نفر انجام گرفت. میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۷۴ بوده که بالای ۰/۷ و نشان‌دهنده اعتبار پرسشنامه و بالا بودن همسازي و پایداری درونی گویه‌ها می‌باشد.

۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در بخش یافته‌های پژوهش برای آزمون میانگین نمرات شاخص‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده نمود.

جدول (۲): ضریب همبستگی بین دیپلماسی شهروندی و مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی	مؤلفه‌ها	
۰/۵۲۳	ضریب همبستگی پیرسون	دیپلماسی شهروندی
۰/۰۰۱	سطح معناداری	
۳۸۴	تعداد	

جدول (۳): ضریب همبستگی بین دیپلماسی شهروندی و زیر شاخص‌های مشارکت سیاسی

دیپلماسی شهروندی	مؤلفه‌ها	زیر شاخص‌های مشارکت سیاسی
۰/۲۹۳	ضریب همبستگی پیرسون	شدت مشارکت
۰/۰۰۱	سطح معناداری	
۰/۳۹۴	ضریب همبستگی پیرسون	شیوه مشارکت
۰/۰۰۱	سطح معناداری	
۰/۵۳۷	ضریب همبستگی پیرسون	کیفیت مشارکت

بر این اساس بین دیپلماسی شهروندی و تمام ریز شاخص‌های مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد و رابطه بین دیپلماسی شهروندی و مشارکت سیاسی زنان معنی‌دار است.

جدول (۴): ضریب همبستگی بین تصویر مطلوب و مثبت و مشارکت سیاسی

مؤلفه‌ها	مشارکت سیاسی	
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۲۶	تصویر مطلوب و مثبت از کشور
سطح معناداری	۰/۰۰۱	
تعداد	۳۸۴	

جدول (۵): ضریب همبستگی بین حس تفاهم و مشارکت سیاسی

مؤلفه‌ها	مشارکت سیاسی	
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۱۲۶	حس تفاهم و دست‌یابی به ارزش‌های مشترک
سطح معناداری	۰/۰۱۳	
تعداد	۳۸۴	

جدول (۶): ضریب همبستگی بین مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات و مشارکت

سیاسی

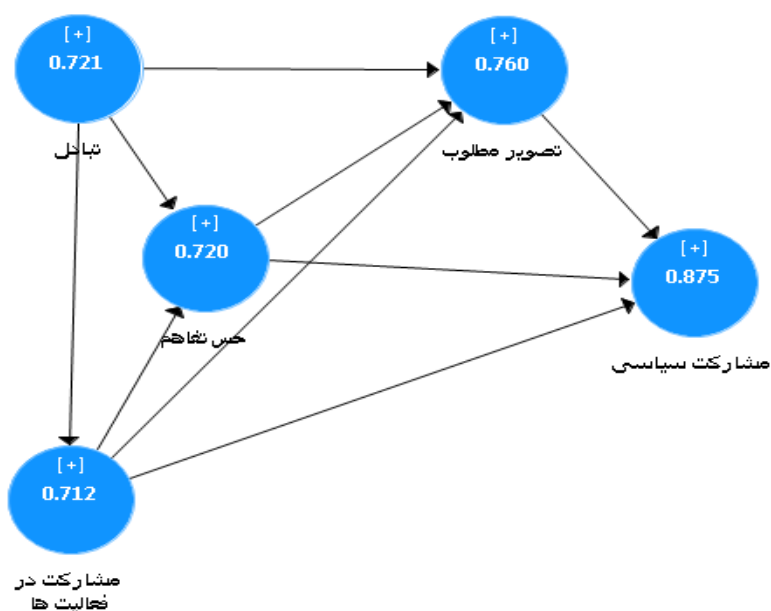
مؤلفه‌ها	مشارکت سیاسی	
ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۲۱	مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات
سطح معناداری	۰/۰۰۱	
تعداد	۳۸۴	

بر اساس ضرایب همبستگی در جداول فوق بین تمام متغیرهای فرعی و متغیر وابسته، یعنی مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد؛ بنابراین بین ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور و مشارکت سیاسی زنان با سطح معنی‌داری $R = ۰/۳۲۶$ و $R = ۰/۰۰۱$ رابطه مثبت، متوسط و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین حس تفاهم و دست‌یابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک در مشارکت سیاسی زنان با سطح معنی‌داری $R = ۰/۱۲۶$ و $R = ۰/۰۱۳$ رابطه مثبت، ضعیف و معنی‌داری وجود دارد؛ و بین مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و

حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان با سطح معنی دار $0/001$ و $R = 0/421$ رابطه مثبت، متوسط و معنی داری وجود دارد.

سنجش تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته

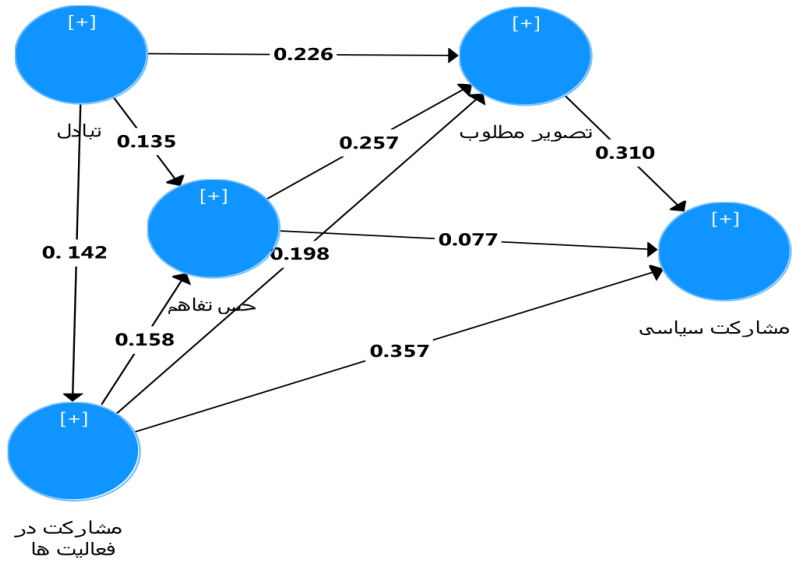
به منظور سنجش میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر وابسته از معادلات ساختاری استفاده گردیده است.



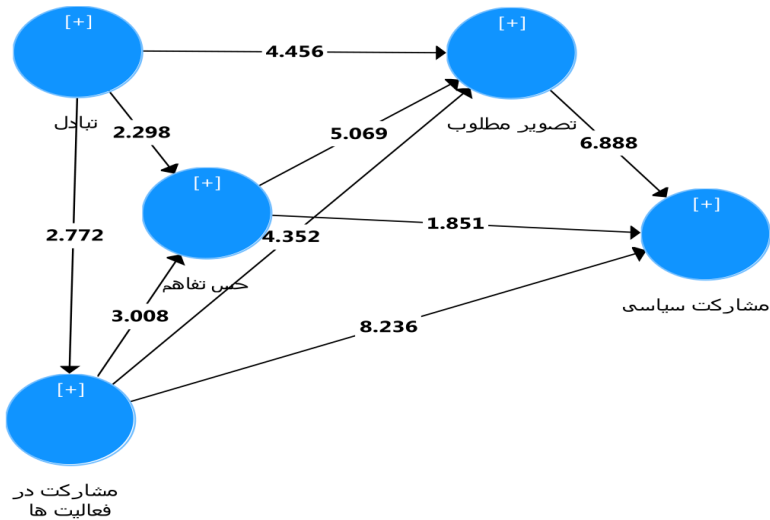
نمودار (۱): تحلیل مسیر

جهت حصول اطمینان از قابلیت اطمینان سؤالات، کلیه بار عاملی سؤالات باید بزرگ‌تر از $0/3$ و با قابلیت اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار گیرند. پرسش‌هایی که بار عاملی آن‌ها کمتر از $0/3$ یا آماره t آن‌ها بین $1/96$ تا $-1/96$ باشد باید حذف گردند. با توجه به نمودار فوق، در تمام سؤالات تحقیق میزان بار عاملی در سطح معناداری ۹۵ درصد بوده و بنابراین قابلیت اطمینان سؤالات مدل قابل تأیید است.

در ارزیابی ضرایب مسیر بین متغیرهای پنهان مدل از طریق بررسی دو بخش ضرایب t و ضرایب مسیر (β) صورت گرفته است. بر این اساس متغیر حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌های مشترک با توجه به اینکه در همبستگی پیرسون معناداری ضعیفی با مشارکت سیاسی داشت، در ارزیابی ضرایب مسیر به‌عنوان فرضیه فرعی دوم رد می‌شود.



نمودار (۲): ضرایب مسیر مدل تحقیق



نمودار (۲): قدرمطلق مقادیر t مدل تحقیق

در جدول زیر نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق نمایش داده شده است:

جدول (۷): یافته‌های آزمون فرضیات فرعی اول تا سوم تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد

نتیجه	β	t	فرضیات
تأیید فرضیه اصلی	۰/۴۲۶	۷/۲۲۹	دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار است.
تأیید فرضیه فرعی ۱	۰/۳۱	۶/۸۸۸	ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار است.
رد فرضیه فرعی ۲	۰/۰۷۷	۱/۸۵۱	حسن تفاهم و دست‌یابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار است.
تأیید فرضیه فرعی ۳	۰/۳۵۷	۸/۲۳۶	مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار است.

بر این اساس می‌توان گفت که دیپلماسی شهروندی در مشارکت سیاسی زنان با بتای (۰/۴۲۶) و ارائه تصویری مثبت و مطلوب از کشور در مشارکت سیاسی زنان با بتای (۰/۳۱۰) و مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات در مشارکت سیاسی زنان با بتای (۰/۳۵۷) تأثیرگذارند و به لحاظ آماری حسن تفاهم و دست‌یابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار نمی‌باشد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از شاخص‌های مهم سیاسی در هر جامعه‌ای، مشارکت سیاسی می‌باشد. این مفهوم به حد زیادی با دموکراسی رابطه دارد. از دیدگاه اندیشمندان توسعه سیاسی پس از توسعه اجتماعی و اقتصادی شکل می‌گیرد و بنابراین مشارکت سیاسی نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قابل توجه این مفهوم، از این موضوع مستثنی نیست. مشارکت سیاسی از عوامل اجتماعی مختلفی تأثیر می‌پذیرد که می‌توان از دیپلماسی شهروندی به‌عنوان یکی از آنان نام برد. در دیپلماسی شهروندی، شهروندان از حق برقراری ارتباط با شهروندان جوامع دیگر برخوردار هستند تا بتوانند به دیدگاه‌های مشترک برسند و یا تأثیرات نامطلوب ناشی از سیاست‌های خارجی نادرست برخی دولت‌ها را از بین ببرند. دیپلماسی شهروندی مفهومی

نسبتاً جدید و کمتر پرداخته شده در مباحث مختلف به خصوص در کشور ماست و با وجود گسترش و کاربرد آن در زندگی انسان‌ها کمتر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به طور کلی ارتباط کلامی و تبادل اطلاعات در جهت دستیابی به تفاهم و اجماع در برخورد نزدیک انسان‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد که فقدان آن به لطف رسانه‌های جمعی کمتر احساس می‌شود. امروزه شهروندان یک جامعه در ارتباط با یکدیگر و شهروندان دیگر جوامع راه‌ها و امکانات بیشتری نسبت به گذشته پیش رو دارند. می‌توان گفت، این امکان و اقبال را مدیون وسایل ارتباط جمعی هستیم. امروزه شاهد گسترش وسایل ارتباط جمعی و کاربردهای گوناگون آن در زمینه‌های مختلف زندگی بشر هستیم. گر چه ممکن است رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی گاهی اوقات نقشی مخرب نیز ایفا کنند، اما به هیچ عنوان رسالت آنان در آگاه‌سازی و ارتباط انسان‌ها در جهت دستیابی به چشم‌اندازهای نوین زیر سؤال نخواهد رفت. مردم جوامع گوناگون زمانی که شانس روبه‌رو شدن با یکدیگر را نداشته باشند به آسانی می‌توانند با کمک رسانه‌های جمعی با انسان‌هایی فرسنگ‌ها دورتر و با سبک زندگی و فرهنگی متفاوت ارتباط کلامی ایجاد کنند. شاید این موضوع موجب بروز اختلافاتی نیز باشد، اما بی‌شک بسیاری از سوءتفاهمات و اختلافاتی که ناشی از عدم ارتباط گروه‌هایی از مردم می‌باشد، از میان برداشته می‌شود. تفاهم و تبادل اطلاعات گوناگون می‌تواند بر مقوله‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اثرگذار باشد. یکی از مفاهیمی که از این گونه ارتباطات و تبادلات تأثیر می‌پذیرد، مشارکت سیاسی می‌باشد. در این میان، زنان به عنوان نیمی از جمعیت و همچنین با توجه به گسترش و اهمیت فعالیت‌های مختلفی که امروزه در جوامع عهده‌دار می‌باشند، قادر خواهند بود با آگاهی و تبادل اطلاعات سهم عظیمی در مشارکت سیاسی و روشننگری سیاسی خود و جامعه ایفا کنند. در این پژوهش بین دیپلماسی شهروندی و مشارکت سیاسی زنان، به عنوان فرضیه اصلی تحقیق رابطه معناداری به وجود آمد. به طور کلی میانگین هر دو متغیر در حجم نمونه متوسط بود. همچنین نتایج نشان دهنده همبستگی معنادار بین ارائه تصویر مطلوب و مثبت از کشور با مشارکت سیاسی می‌باشد. بر اساس

دیدگاه ملیسن دیپلماسی شهروندی را فعالیت‌هایی در زمینه‌های تبادل اطلاعات، آموزش و فرهنگ با هدف آشنایی بیشتر ملت‌ها به‌ویژه، ملت‌های درگیر اختلاف و به‌منظور حسن تفاهم و دستیابی به دیدگاه‌ها و ارزش‌های مشترک میان آنان است تا به این وسیله، بتوان علاوه بر ایجاد تصویری مطلوب از کشور متبوع خود در افکار عمومی، در نهایت بتوان جهت‌گیری‌های سیاسی سایر کشورها نسبت به یکدیگر تأثیرگذار باشد. در پژوهش انجام شده، بین حسن تفاهم و دستیابی به ارزش‌های مشترک و مشارکت سیاسی زنان رابطه معناداری حاصل شد اما این رابطه ضعیف ارزیابی شد.

نتایج به‌دست‌آمده نشان‌دهنده تأیید رابطه معناداری بین مشارکت در فعالیت‌های صلح‌طلبانه و حل تعارضات با مشارکت سیاسی زنان شهر تهران می‌باشد. بابلا معتقد است فعالیت‌های دیپلماسی نوع دوم که برای دفع تعارضات و تقویت گفتگوهای صلح به کار می‌رود، بر مشارکت شهروندان دیپلمات تکیه دارد. بنا بر دیدگاه مونتویل دیپلماسی شهروندی به مذاکرات غیررسمی شهروندان برای رسیدن به یک راه‌حل رسمی در جهت جلوگیری از یک برخورد قریب‌الوقوع (منازعه پیش‌رونده) اطلاق می‌شود. بنا بر نتایج پژوهش سجادپور هدف میان مدت دیپلماسی مسیر دوم وادار کردن طرفین به شنیدن ایده‌ها و نظرات طرف مقابل است تا از این طریق درک بهتری نسبت به دیگری پیدا کنند و برای تبادل نظر با یکدیگر بر سر راه‌حل‌های مشترک جهت برون رفت از منازعه توافق نمایند.

در انتها تبادل و تسهیم اطلاعات نیز با مشارکت سیاسی زنان رابطه معناداری داشت. در نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش کیا نیز تبادل اطلاعات و مفاهمه بر سیاست خارجی شهروندان تهرانی تأثیرگذار بوده است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- آستین، رنی (۱۳۸۴)، حکومت: آشنایی با علم سیاست، ترجمه لی لا سازگار، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- آلموند، گابریل و بینگهام پاول (۱۳۷۵)، جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۴-۱۱۳.
- پالیزان، محسن (۱۳۹۰)، بررسی میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۲، صص ۳۳-۴۹.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۸)، فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات، زمستان ۱۳۸۸.
- پیشگاهی فرد، زهرا، زهدی گهرپور محمد (۱۳۸۹)، بررسی جایگاه و نقش زنان دیپلمات خاورمیانه در مشارکت سیاسی، فصلنامه زن و جامعه، بهار، دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۲۵ تا ۴۴.
- چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۲)، مشارکت سیاسی و جنسیت: بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی، شماره ۴۵.
- دال، رابرت (۱۳۷۸)، درباره دموکراسی، ترجمه حسن فشارکی، تهران: شیرازه.
- دال، رابرت، (۱۳۷۴)، تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین مظفریان، تهران: مردیز، چاپ اول.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، جامعه و سیاست، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، سمت.
- رضایی، مهدی. (۱۳۷۵). «مبانی جامعه‌شناسی شهری». نشر آوا، چاپ اول، تهران
- سجادی‌پور، محمدکاظم (۱۳۹۳)، بایسته‌ها در مدل ارزیابی تکنیک دیپلماسی مسیر دوم، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳.
- سلیمی، رضا (۱۳۹۲). روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی. (چاپ دوم). تهران: انتشارات سمت.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، شماره شش.
- شائمی برزکی، اکبری، بهارستان (۱۳۹۲)، تحلیل تأثیر هوش هیجانی و رفتار شهروندی سازمانی بر رفتار سازمانی، فرآیند مدیریت و توسعه، زمستان ۹۲، شماره ۸۶.
- شمس آبادی، علی (۱۳۹۷)، بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی شهروندی آمریکا و ایران، فصلنامه سیاست، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۹۱-۱۰۸.

- کرمی، رضا (۱۳۹۹). مدیریت چالش‌های امنیتی در جنوب غرب آسیا (مطالعه موردی افراط‌گرایی مذهبی)، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۰، شماره ۳۵، بهار ۱۳۹۹
- قاسمی، حاکم (۱۳۹۳)، عوامل محدود ماندن مشارکت سیاسی زنان، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۵۶-۱۲۳.
- کیا، علی اصغر (۱۳۹۲)، دیپلماسی شهروندی و فعالیت دیپلماتیک شهروندان تهرانی در فضای مجازی، علامه طباطبایی.
- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ باور، یوسف (۱۳۸۸)، نگرش دانشجویان نسبت به مشارکت سیاسی زنان، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۹.
- میلراث لستر، گوئل لیل، (۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی، مترجم سید رحیم ابوالحسنی، تهران، میزان، چاپ اول.
- محمدی فر، نجات، شهرام نیا، مسعود، مسعودنیا، حسین، حاتمی، عباس (۱۳۹۶). بررسی رابطه میان استیفای حقوق شهروندی با نوع مشارکت سیاسی در بین زنان شهر اصفهان، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۸، شماره ۲، صفحه ۱۴۷-۱۶۲.
- نجفی، محمدجواد؛ شهبازی، مظفرالدین (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه، جامعه‌شناسی سیاسی ایران تابستان، شماره ۱۰ علمی-پژوهشی (وزارت علوم)، صفحه ۱۳۱ تا ۱۵۵.
- وثوقی، منصور؛ صیامیان گرجی، زهرا؛ باصری، علی؛ قدیمی، بهرام؛ ساروخانی، باقر (۱۳۹۹). تحلیل کیفی تأثیر عوامل فرهنگی اجتماعی و انگیزشی بر مشارکت سیاسی زنان شهر تهران، پژوهش اجتماعی پاییز - شماره ۴۸ علمی-پژوهشی (وزارت علوم)، صفحه ۱۹ تا ۴۳.

ب. منابع انگلیسی

- Dawson, J (2011) "Thescop Of Poitical Participation" Journal Of Community Development.
- Fraser, Robin (2012), "Track Two Diplomacy- a Distinct Conflict Intervention Category", (MA Thesis, University of Victoria.
- Chigas, Diana, Burgess Heidi, Malek Cate (2003), Citizen Diplomacy Based on a longer essay on Track II / Citizen Diplomacy, written by Diana Chigas for the Intractable Conflict Knowledge Base Project.
- Melissen, Jan. (2005). Wielding Soft Power: The New Public Diplomacy. Netherlands: The Netherlands Institute Of International Relation.
- Patterson, David (2008). The Search for Negotiated Peace; Women Activism
- Citizen Diplomacy In World War 1, Routledge.